

گرایش به تاریخ عمومی در مکتب تاریخ‌نگاری ارمنستان

• حسین کیان‌راد

در اواخر دوره باستان، پرداختن به تاریخ از جنبه مذهبی، روشی بود که در بستر دینی برخی از جوامع مشاهده می‌شد. این گرایش به سمت تاریخ‌نگاری مقدس را می‌توان در سرشت تاریخ‌نگاری زردشتی دوره ساسانی که زیر نفوذ و قدرت موبدان قرار داشت و همچنین پس از رسمی شدن آیین جدید (مسیحیت) در ارمنستان، نزد مورخان ارمنی یافت. تاریخ ارمنیان اثر آگاتانگوس که نخستین اثر در زمینه تاریخ ارمنستان به شمار می‌رود، در واقع نقطه شروع تاریخ‌های کلیسایی در این سرزمین بود.

موسی خورنی یکی دیگر از نمایندگان این مکتب است. پرداختن او به شکلی از تاریخ عمومی، او را در ردیف مورخان اسلامی در دوره‌های بعد همچون طبری قرار می‌دهد؛ با این اختلاف که تاریخ‌نگاری ارمنی و ایرانی تفاوتی با تاریخ‌نگاری اسلامی داشت و آن پرداختن به تاریخ سرزمین و قومی خاص بود، در مقابل، تاریخ‌نگاری اسلامی ثبت وقایع اقوام گوناگونی را شامل می‌شد. با این وجود نگرش جهانی هر سه گروه بر یک اساس مشترک: «دین» قرار داشت. این جهان‌بینی دینی که در اوستا، کتاب مقدس یا قرآن خلاصه می‌شد، دارای کارکردی یکسان بود.

کتاب تاریخ ارمنیان یکی از مهمترین منابع تاریخی برای بررسی تاریخ و فرهنگ ارمنستان و سرزمین‌های مجاور آن، به خصوص ایران است که در ردیف آثار برجسته نویسنده بزرگ ارمنی، موسی خورناتسی، قرار می‌گیرد. در مورد تاریخ دقیق زندگی موسی خورناتسی (که در ایران بیشتر آن را با نام موسی خورنی می‌شناسند) و همچنین زمان نگارش اثرش، نظر همسانی وجود ندارد. تاکنون

کتاب «تاریخ ارمنیان» یکی از مهمترین منابع تاریخی برای بررسی تاریخ و فرهنگ ارمنستان و سرزمین‌های مجاور آن، به خصوص ایران است که در ردیف آثار برجسته نویسنده بزرگ ارمنی، موسی خورناتسی (موسی خورنی) قرار می‌گیرد



- تاریخ ارمنیان
- تألیف: موسی خورناتسی (موسی خورنی)
- ترجمه: ادیک باغداساریان
- ناشر: مؤلف، تهران، ۱۳۸۰، ۲۷۵ ص، ۳۰۰۰ تومان

از جمله بزرگ‌نمایی‌های موسی خورنی، توصیف جنگ‌های ایران و روم است که در آن نقشی اغراق‌آمیز به سپاهیان ارمنی می‌دهد

فرضیه‌های مختلفی در این باره مطرح شده است. اما از این میان سده پنجم میلادی زمانی قابل قبول‌تر به نظر می‌رسد. در واقع ویرایش‌هایی که از این اثر در سده‌های بعدی (ششم و هفتم) صورت گرفته، پژوهشگران را دچار تردید کرده است.

از ویژگی‌های کتاب خورنی این است که او برخلاف شیوه مورخان پیشین چون آگاتا‌نگفوس، شروع به نگارش تاریخ ارمنستان از کهن‌ترین دوران‌ها نمود و تنها به ذکر رویدادهای عصر خود محدود نگردید. گذشته از این، آنچه به کار خورنی اهمیت بخشیده، استفاده از منابع متعددی است که خود بسیاری از آنها را نام برده است. پرداختن به مسائل ایران نشان از تسلط وی بر امور ایران دارد. بی‌شک او از منابع ایرانی و شرقی نیز سود برده است.

معرفی نویسنده:

موسی خورنی در سال ۴۱۰ م. چشم به جهان گشود. او در حدود سال‌های ۴۲۷ م. در مدرسه مرکزی ارمنیان در واغارشاپاد و زیر نظر مسروپ ماشتوتس و چاثلیق ساهاک زبان‌های یونانی و آشوری را فراگرفت و همچنین با پهلوی نیز تا حدودی آشنا شد. پس از مدتی خورنی به همراه چند تن از جوانان مستعد ارمنی از طرف اساتید خود برای ادامه تحصیل به «اسکندریه» فرستاده شد. او در آنجا زبان یونانی و فن نگارش یعنی نظریه زبان و سخن، دستور و فن بیان، تفسیر کتاب مقدس، تاریخ و اساطیر یونانی را آموخت.^۱ وی بعدها در تألیف کتابش از تمامی این تجربیات بهره برد.

خورنی پس از اتمام تحصیلاتش در اسکندریه و افساد در حدود سال ۴۴۰ م. به ارمنستان بازگشت. اما گویا در بازگشت به وطن، نه تنها استقبالی از دانشجویان جوان نشد بلکه با بی‌احترامی، تهمت و تعقیب و آزار نیز مواجه شدند. در پی آن بسیاری از نوشته‌های خورنی توقیف شد و آثارش را «تحریف شده» و «دروغین» نامیدند. مترجم کتاب این تعقیب و آزار را دارای ماهیتی اصولی و عقیدتی می‌داند که علل آن را باید در شرایط اجتماعی آن دوران جستجو کرد. وی در تحلیل این موضوع به مبارزه میان دو قشر روحانیت ارمنی اشاره دارد که یکی از آنان تمایلات آشوری و دیگری یونانی داشت.^۲ جوانان تحصیلکرده در یک مکتب یونانی (اسکندریه)، در بازگشت به ارمنستان با قشری از روحانیت محافظه‌کار و دارای تمایلات آشوری روبه‌رو شدند در نتیجه برخورد میان آن دو اجتناب‌ناپذیر بود. سرانجام پس از سی سال زندگی همراه با رنج و محرومیت، حملات علیه خورنی کاهش یافت و پیرمرد ارمنی فرصت نوشتن پیدا کرد. در همین زمان، شاهزاده ساهاک باگراتونی از وی خواست تا تاریخ شاهان و خانواده‌های فنودال ارمنستان را بنویسد و بدین ترتیب کتاب تاریخ ارمنیان شکل گرفت.

نویسنده به جز این کتاب، آثار دیگری نیز دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- ستایش هرپسیمه

۲- تاریخ هرپسیمه

۳- نطق «وارتاوار»

۴- صحیفه «سهاک آرزرونی»

آثار دیگری نیز به او نسبت می‌دهند (گرچه این انتساب‌ها قطعی نیست)، چون: ترجمه کتاب تاریخ اسکندر نوشته کالیستنس (Callisthenes) دروغین و ترجمه دیگر او از کتاب نیازنامه که اصل آن به یونانی بوده است. خورنی که علوم و ادبیات یونانی را فراگرفته و شاگرد مکتب یونان است، به صورت نماینده تأثیرگذار تمدن هلنی در ارمنستان پدیدار می‌شود و تلاش دارد تا فرهنگ اروپایی را در شرق گسترش دهد. او یونان را «مادر علوم» می‌داند، اما هلن دوستی او تا حدی آگاهانه است و نه از روی خشک‌اندیشی. از سوی دیگر خورنی به فکر آشتی دادن تاریخ کهن ارمنستان با اندیشه‌های نوین مسیحی بود.

منابع و مآخذ موسی خورنی:

همان گونه که پیش‌تر گفته شد، نویسنده منابع متعددی را که مورد استفاده قرار داده (بیش از چهل منبع) نام می‌برد. او در پیشگفتار کتاب اثری متعلق به مارآباس کاتینا (marabas katina) تاریخ‌نگار آشوری سده دوم پ. م. نام برده است. این کتاب که در زمان حکومت شاهزاده پارتی واغارشاک و به دستور او نوشته شده، اصلی‌ترین منبع موسی خورنی برای تألیف تاریخ ارمنیان محسوب می‌شود. کتاب مارآباس در اصل ترجمه یک متن یونانی درباره تاریخ باستانیان و پیشینیان بود که به دستور اسکندر از اصل کلدانی به یونانی ترجمه شده بود و مارآباس قسمت‌های مربوط به تاریخ ارمنستان آن را به زبان آشوری برگردانده بود.^۳

منابعی که خورنی از آنها نام برده، چنین هستند: کتاب مقدس، تاریخ مارآباس کاتینا، نیازنامه، افسانه‌ها یا آوازهای مردمی ارمنی، ژولیان آپریکانوس (از سده سوم)، تاریخ کلیسای اوزبوس قیصری (سده سوم)، یوسف فلاوی (سده اول)، لابوننا (غروبنا) ادسی (حدود سده سوم)، خور و هبود (سده چهارم)، اسقف پرمیلیانوس (سده سوم)، آگاتا‌نگفوس (نیمه دوم سده پنجم)، هیپولوتوس (سده سوم)، مانتون (سده چهارم پ. م.)، الیمپوس مغ‌آریستون پغی (سده اول)، بارداسان (سده سوم)، بارسوما (سده چهارم)، آرتینوس (سده چهارم)، پیلیرات، اوآگاروس، سکاما دروسولگونوس، سه مؤلف و ناطق یونانی همچون هومر، هرودت و افلاطون که از آنها قطعاتی را آورده است، بروسوس کلدانی، اسکندر بازماوپ، آبیولنوس و کیپالیون.

از میان این منابع، مارآباس و آوازهای مردمی اهمیت بیشتری برای نویسنده داشته‌اند و از منابع درجه اول وی محسوب می‌شوند. جز این، خورنی از منابع دیگری نیز استفاده کرده که از آنها نامی نبرده

است. شاید این امر به کم اهمیت بودن آنها بازمی‌گردد. نویسنده، تعداد مورخانی را که به دوره انتقال قدرت از پارتیان به ساسانیان توجه کرده و از آن سخن گفته‌اند، به ویژه در میان پارسیان، آشوریان و یونانیان بسیار می‌داند. خورنی از مورخانی چون پالقاتوس، فرفوربوس و پتلمیون نام می‌برد و همچنین به کتاب برسومه اثر خورو هبوت^۴ که یکی از منابع مورد استفاده‌اش نیز بوده است، اشاره می‌کند. او چنانکه خود می‌گوید، گزافه‌گویی‌ها و مطالب افسانه‌آمیز کتاب خورو هبوت را به دور نهاده و آنچه را که موثق دانسته، در قالب تاریخی در خور حقیقت نگاشته است. از دیگر منابع نویسنده، دیوان‌های یونانی و یادداشت‌های پژوهشگران و دانشمندان باستانی بوده است. خورنی یکی از نخستین افرادی است که از روایات شفاهی نیز به عنوان منابع تاریخی استفاده می‌برد.

معرفی اثر:

کتاب تاریخ ارمنیان شامل سه بخش (کتاب) است:

۱ - نسب نامه بزرگان ارمن

۲ - تاریخ میانه نیاکان ما

۳ - پایان تاریخ میهن ما

البته برخی پژوهشگران، کتاب چهارمی را نیز به موسی خورنی نسبت می‌دهند که به گفته‌های امروزه از بین رفته است. اما این سخن در حد فرضیه باقی مانده است زیرا دلایل آنها پذیرفتنی نیست.^۵ مطالب کتاب از سپیده دم تاریخ ارمنستان تا زمان خود نویسنده (حدود سال‌های ۴۸۳-۴۸۵ م.) را در برمی‌گیرد و این شیوه در میان مورخان کهن ارمنی کاری جدید است.

بخش اول کتاب از ۳۲ باب تشکیل شده که ۷ باب نخستین آن به پیشگفتار اختصاص دارد. از مطالبی که در این پیشگفتار آمده می‌توان به پاسخ نامه ساهاک باگراتونی از طرف موسی خورنی و قول انجام خواهش او، تأکید نویسنده بر استفاده از منابع یونانی و برتری دادن به آنها، نسب‌نامه فرزندان نوح، نامه واغارشاک (بلاش) پادشاه ارمن به آرشاک (اشک) بزرگ پادشاه پارس (ایران) اشاره کرد. متن اصلی تاریخ ارمنیان از باب دهم آغاز می‌گردد. نویسنده در این بخش‌ها به موضوعاتی چون «قیام هایک^۶، نخستین پادشاه ارمنیان و جانشینان او، نسب نامه بزرگان عبرانی، کلدانی و ارمنی تا داود، جنگ با آشوریان و نبرد با ملکه سمیرامیس می‌پردازد. همچنین کتاب اول مطالبی در ارتباط با تاریخ ایران دارد که تقریباً از دوره مادها و روابط آنها با سرزمین ارمنستان شروع می‌شود.

در باب سیزدهم از این بخش، با عنوان «نبرد با شرقیان» برای نخستین بار نامی از مادها برده می‌شود و این هنگامی است که آرام، شاه ارمنستان، با سپاهی گران به جنگ ارتش ماد می‌رود. بنا به گفته‌های خورنی، رهبر جنگجویان مادی فردی به نام نیوکار مادس (مادی) است که پیش از این توانسته بود ارمنیان را شکست دهد و به

از سخنان خورنی چنین برداشت می‌شود که بین‌النهرین جزئی از قلمرو ارمنستان بوده و رومیانی که بدین سمت یورش می‌آوردند تنها ارمنیان را در مقابل خود می‌دیدند

مدت دو سال سرزمین ارمنستان را فرمانبردار خود سازد. به هر ترتیب در این نبرد مادها شکست خورده و تا کوه زاراسپ خراجگزار ارمنیان گردیدند.^۷ به نظر می‌رسد اشاره نویسنده به درگیری‌های میان مادها و اورارتویی هاست که ارمنیان آنها را اجداد کهن خویش می‌دانستند.

در باب شانزدهم و هفدهم نیز پس از ذکر رفتار و کردار شامیرام (سمیرامیس)، ملکه آشور، و جنگ‌های او با ارمنیان، از فردی به نام زراداشت (زردشت) مغ نام رفته که ملکه در هنگام رفتن به بیلاق زمام امور آشور را به او واگذار می‌کرده است. خورنی این شخص را نیا و پیشوای مادها می‌داند که مورد اعتماد ملکه بوده است. درباره شخصیت سمیرامیس، زندگی و حتی مرگ او نقاط تاریک فراوانی وجود دارد و این که موسی خورنی و یا منابع مورد استفاده وی بر چه اساس این ملکه را معاصر با زردشت دانسته و باز بر طبق چه سندی زردشت را فرمانروای مادها دانسته که مدتی از سال را هم بر نینوا و آشور حکمرانی داشته، خود جای پرسش دارد. ردپای آشکار افسانه را در این گونه وقایع می‌توان دنبال کرد. شاید هم خورنی متأثر از تبلیغات موبدان زردشتی در عصر ساسانی بوده که تلاش داشتند، محل تولد و زیست زردشت را غرب ایران معرفی کنند.

فهرستی از پادشاهان ماد که خورنی در بخش بعدی می‌آورد، در واقع سخن پیشین وی را بی‌ارزش می‌کند زیرا در این فهرست اسمی از «زراداشت» نرفته است. فهرست یا شخصی به نام وارباکس (Varbakes) آغاز می‌شود و پس از وی نام هفت پادشاه به ترتیب زیر می‌آید:

مداکیس (modakis)، سوسارموس (sosarmos)، آرتیکاس (artikas)، دنوکیس (deovkis)، پراورتیس (pravortis)، کواکسارس (kvaksares)، آژداهاک (azhdahak). از این میان چهار پادشاه نخست نا آشنا به نظر می‌رسند و بقیه را می‌توان با دیاکو، فرورتیش، کیاکسار و آستیگاک (ایختیویگو) مقایسه کرد.

در کنار این اسامی، فهرست شاهان ارمنستان از نخستین شخص ذکر شده است. سرسلسله آنها بارویر (baruyr) فرزند اسکایوردی است که تاجش را از دست وارباکس پادشاه ماد می‌گیرد. نویسنده، بارویر را متحد وارباکس در نبرد علیه آشوری‌ها ذکر می‌کند. نبردی که طی آن مادها موفق شدند نینوا را تصرف و پادشاهی آشور را از آن خود کنند. اما با توجه به آگاهی‌های دیگر منابع، مادها تنها یک بار و آن هم در زمان هوخستره توانستند به همراه بابلی‌ها، نینوا را تصرف کنند (۸۱۶ پ.م). به نظر نمی‌رسد بتوان این وارباکس را با هوخستره که در فهرست کتاب نیز نام وی آمده، همسان دانست.

کتاب دوم (تاریخ میانه پیشینیان ما) از ۹۲ باب تشکیل می‌شود. این کتاب که در حدود ۴۵۰ سال تاریخ ارمنستان را دربردارد، از خیزش پارتیان در برابر سلوکیان و نیز پادشاهی واغارشاک بر

خورنی در کتاب خود حتی به داستان های اساطیری ایران نیز اشاره دارد. به طوری که اسطوره «اژی دهاک» را در حدود پنج سده پیش از فردوسی بیان کرده است

ارمنستان (۱۳۲ پ.م) آغاز و با مرگ تیرداد سوم کبیر (۳۱۸ م.) پایان می یابد.

از جمله مطالب بخش دوم که با تاریخ ایران نیز مرتبط است، می توان به مبارزات استقلال طلبانه پارتیان به رهبری ارشک، شکل گیری سلسله آرشاکونیان (پارتیان ارمنستان) و به حکومت رسیدن واغارشاک (بلاش)، برادر ارشک، در ارمنستان، یورش های پومپه ای و کراسوس به شرق، خراجگزاری ارمنیان به رومیان برای نخستین بار، ظهور مسیح، مدت حکومت هر یک از شاهان پارتی ارمنستان و خاندان های پارتی که اقوام پارتی از آنان منشعب شدند، همچنین طول سلطنت پادشاهان اشکانی، قدرت گیری اردشیر بابکان و انقراض اشکانیان، حمله اردشیر به ارمنستان و مقاومت پارتیان در آنجا، کشتار اردشیر در ارمنستان و غیره اشاره کرد.

کتاب سوم، دارای ۶۸ باب است. نویسنده در این بخش بیشتر از حوادثی سخن می گوید که در زمان خود او یا با اندکی فاصله رخ داده است. ذکر وقایع حکومت خسرو صغیر (۳۱۹ م.)، جانشین تیرداد، آغازگر کتاب سوم است. پس از بیان ۱۱۰ سال از تاریخ ارمنستان، خورنی کتاب سوم و در واقع بخش آخر «تاریخ ارمنیان» را با حمله یزگرد دوم ساسانی به ارمنستان و سر رسیدن عمر پادشاهی آرشاکونیان (۴۲۸ م.) در این سرزمین پایان می بخشد. این کتاب که حجم کمتری نسبت به کتاب دوم دارد، به وقایع پس از مرگ تیرداد می پردازد. نبردهای چندین ساله رومیان (که نویسنده، همه جا آنها را یونانیان می نامد) و ساسانیان و نقش اساسی که ارمنستان در این میان داشته، دخالت های دو طرف در مسائل ارمنستان، نامه های شاپور به فرمانروایان، زمین داران (ناخارها) و برخی شهرهای ارمنی، تقسیم ارمنستان بین ایران و روم (در زمان شاپور) و... از جمله مطالب این بخش می باشند.

کتاب سوم حوادث ارمنستان را تا زمان پادشاهی بهرام ساسانی در ایران و فروپاشی حکومت اشکانیان ارمنستان به طور کامل دنبال می کند. پایان این کتاب سوگنامه ای است که خورنی در آن از وضع بد جامعه آن روز ارمنستان خون می گیرد. وی در چند سطر به توصیف تمامی قشرهای جامعه می پردازد که چگونه به انحراف گراییده اند. در پایان کتاب، هشت پیوست آمده که نخستین آنها یادداشت های آکادمیسین ارمنی، استپان مالخاسیان بر مطالب کتاب است. به همراه آن همچنین فهرستی هفتاد نفری از ناخارهای ارمنستان آورده شده است. نقشه های ارمنستان در زمان خورنی، سلسله های پادشاهی ارمنستان و فهرست پادشاهان آنها از آغاز تاروی کار آمدن باگراتونیان، فهرست رهبران مسیحی و کلیسای ارمنی از ابتدا تا زمان نویسنده، گاهنامه ارمن، سپاهنامه و فهرستی از فرماندهان بخش های چهارگانه و راهنمای آوانگاری ارمنی (به کار رفته در کتاب) از دیگر پیوست های کتاب حاضر است که توسط مترجم تهیه و تنظیم شده است. در آخر نیز فهرستی از منابع مورد استفاده مترجم

آمده است.

در کنار همه اینها لازم است به حواشی و توضیحات با ارزش کتاب نیز اشاره کرد که مترجم محترم کتاب با حوصله زیاد، به آنها پرداخته است.

امروزه ۴۸ نسخه خطی از کتاب خورنی وجود دارد که بیشتر آنها به سده هفدهم مربوط می شود. قدیمی ترین نسخه مربوط به سده های ۱۴-۱۳ است. تمامی این نسخه ها رونویسی و ویرایش های بعدی اند و حاوی متن اولیه اثر نیستند. تاریخ ارمنیان تاکنون ۱۲ بار (۹ بار به زبان ارمنی و سه بار نیز با ترجمه لاتین یا فرانسه) منتشر شده و نخستین چاپ ارمنی آن در سال ۱۶۸۵ در آمستردام صورت گرفته است.^۸ اما ترجمه فارسی این اثر برای نخستین بار به صورت یک خلاصه به وسیله آرام هواساپیان و به اهتمام ابراهیم دهگان، توسط انتشارات افق اراک انتشار یافت.^۹ برگردان دیگری از این کتاب در سال ۱۳۶۴ و توسط پروفیسور گئورگی نعلبندیان، استاد دانشگاه دولتی ایروان صورت گرفت.^{۱۰}

بررسی کتاب:

از نقاط ضعف کتاب، اشتباهات تاریخی است که نمونه های آن در این اثر کم نیست. گاه این اشتباهات بسیار بزرگ و حیرت انگیز و گاه نیز جزئی است. این مسئله را تا حدی می توان با تعدد منابع مورد استفاده خورنی در ارتباط دانست. به عنوان مثال، خورنی از پادشاهان یک دوره دویست ساله ارمنستان (۳۵ پ.م - ۱۶۹ م.) یاد می کند و این دوره را با نام پادشاهان دیگر پر می کند. در کردار برخی فرمانروایان و شخصیت ها نیز جابه جایی هایی دیده می شود. بسیاری از کارهای تیرداد اول به تیرداد سوم که مسیحیت در زمان او دین رسمی ارمنستان شد، نسبت داده شده است. در جایی دیگر آمده که فتح ارمنستان توسط اردشیر بابکان صورت گرفته است. در اینجا اردشیر همعصر امپراتوری چون والریانوس محسوب می شود. در صورتی که می دانیم ارمنستان در دوره شاپور اول (۲۷۲-۲۴۱ م.) جزء قلمرو ساسانی شد. شاپور با تصرف ارمنستان پسرش هرمز اردشیر را به حکومت آنجا می گمارد و شاید شباهت این نام با اردشیر یکم، خورنی را دچار اشتباه کرده است. در ترتیب پادشاهان اشکانی نیز نادرستی هایی دیده می شود. نویسنده، تیرداد یکم (۲۱۴ تا ۲۴۷ پ.م) را به جای پدرش، اشک، فرض کرده و بدین ترتیب آرتاشس را نیز به جای اردوان (۲۱۴ تا ۱۹۶ پ.م) اشتباه گرفته است.

این موضوع در توصیف برخی جنگ ها و حوادث نیز ادامه می یابد. جریان نبرد کراسوس در شرق چنین آمده است که «کراسوس پس از ویرانی اورشلیم به سمت فرات آمد و پس از گذشتن از فرات در جنگ با تیگران شکست خورد و تمام سپاهش کشته شد...»^{۱۱} و این در حالی است که جنگ حران به پیروزی ارد و سردارش سورنا انجامید و از طرفی این روایتی همزمان با فرمانروایی آرتاوازد دوم پسر تیگران دوم است. روایت های این گونه

چندین بار دیگر تکرار می‌شود. از سخنان خورنی چنین برداشت می‌شود که بین النهرین جزئی از قلمرو ارمنستان بوده و رومیانی که بدین سمت یورش می‌آوردند تنها ارمنیان را در مقابل خود می‌دیدند. در بسیاری از صفحات کتاب رویدادهایی ذکر شده که با واقعیت فاصله دارند. (در جلد دوم در آنجا که به پادشاهی تیرداد، یکی از آخرین شاهان بزرگ پارتی ارمنستان، می‌پردازد، به تصرف اکباتان توسط او پس از شکست دادن اردشیر پاپکان اشاره دارد. همچنین در جریان نبردهای خسرو (از دیگر شاهان آرشاگونی) و اردشیر پاپکان آمده است که «خسرو پس از ناامید شدن از کمک امپراتوری روم، با همراه کردن اقوام شمالی توانست باز هم بر اردشیر پیروز شود و این بار او را تا به هندوستان تعقیب کند.»^{۱۲} از دیگر بزرگ نمایی‌های نویسنده، توصیف جنگ‌های ایران و روم است که در آن نقش اغراق آمیز به سپاهیان ارمنی می‌دهد.

اما تاریخ ارمنیان خورنی به دلیل روابط دیرینه ایران و ارمنستان و موقعیت جغرافیایی این دوسرزمین، در کنار رخداد‌های ارمنستان گاه اطلاعات مفیدی از تاریخ ایران در بردارد.

خورنی حتی به داستان‌های اساطیری ایران نیز اشاره دارد. به طوری که اسطوره‌اژی دهاک را در حدود پنج سده پیش از فردوسی بیان کرده است. پس از پایان کتاب نخست و در فاصله شروع کتاب دوم، بخشی با نام افسانه‌های پارسی قرار گرفته که نویسنده در آن اشاره‌ای اندک به افسانه‌اژی دهاک (بیوراسب) و سخنانی که درباره آن شنیده، دارد.

از جمله مطالبی که به دوران تاریخی ایران مربوط می‌شود، می‌توان از اتحاد تیگران با کورش کبیر در نبرد علیه آستیاگ مادی و همچنین نوشته‌هایی راجع به تاریخ و فرهنگ پارتیان به خصوص شاخه ارمنی آن، نام برد. خورنی بر اساس کتاب مقدس، نسب پارتیان را به ابراهیم (ع) می‌رساند؛ وی خاستگاه پارتیان و ارشک را شهر بهل‌بامک (باختر) در کشور کوشانی می‌داند. نویسنده همچنین ترتیب شاهان اشکانی و مدت سلطنت هر یک را تا روی کار آمدن ساسانیان آورده و اشاره‌ای هر چند مختصر نیز به نحوه شکل‌گیری خاندان‌های بزرگ پارتی و آغاز پادشاهی سلسله آرشاگونیان کرده است. خورنی هرگاه خواسته تاریخ به تخت نشستن شاهان ارمنستان را ذکر کند، سال سلطنت پادشاهان اشکانی را مینا قرار داده است. مشخصات خاندان‌های ناخارا (فتودال)، منطقه تحت اختیار آنها و حتی جزئیاتی چون تعداد سوارانی که هر یک از این خاندان‌ها در سپاه شرکت می‌دادند، جزء دیگر مسائلی است که خورنی به آنها پرداخته است.

در لابه‌لای سطور کتاب می‌توان با مناصب و وظایف صاحب‌منصبان سلسله پارتی ارمنستان آشنا شد که از سده‌های اول تا چهارم میلادی رایج بوده است. بیشتر این عناوین همچون بیورید، هزار بد^{۱۳} (hazarapat)، اسبد و غیره ریشه مشترک با مناصب پارتی

و ایرانی دارند. این مسئله در دوره ساسانیان نیز مشاهده می‌شود. با توجه به این اسامی می‌توان نمونه‌های مشابه آنها را در امپراتوری اشکانی و ساسانی جست‌وجو کرد.

نحوه پرداختن به موضوعات، مشخص می‌کند که خورنی یک وقایع‌نگار صرف نیست که تنها به توصیف رخدادها بپردازد، بلکه او ارزیابی شخصیت‌ها و همچنین تفسیر رویدادها را نیز مد نظر داشته است. نویسنده معجزات و کارهای خارق‌العاده را وارد تاریخ خود نکرده و نسبت به معجزاتی نیز که در منابع مورد استفاده‌اش آمده، دیدی طبیعی دارد. او معتقد است که ایزدان کهن در واقع قهرمانانی بزرگ و مشهور بودند که بعدها نزد مردم تا درجه خدایان بالا رفتند. خورنی در مواجهه با منابع، میان توصیفات داستان‌گونه و آمیخته به افسانه با رخداد‌های حقیقی، تفاوت قائل است. هرچند در برخی جاها اشتباهات و سوء تفاهاتی وجود دارد، اما با این وجود دقت نویسنده و احتیاط او در استفاده از منابع قابل توجه است.

پی‌نوشت‌ها:

۱- خورناتسی، موسی، تاریخ ارمنیان، ترجمه ادیک باغداساریان، ناشر: مؤلف، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۳ (پیشگفتار مترجم).

۲- همان، ص ۱۴.

۳- همان، ص ۱۹.

۴- یکی از کاتبان دربار شاپور ساسانی که در حمله ژولیانوس به اسارت رومی‌ها درآمد و پس از فراگیری زبان یونانی شروع به نگاشتن تاریخ دوران شاپور و ژولیانوس کرد.

۵- برای آگاهی از این نظریات نک: کتاب حاضر، ص ۲۰.

۶- hayk، ارمنیان به مناسبت نام نیایشان خود را های (hay) و سرزمین‌شان ارمنستان را، هایاستان (hayastan) می‌نامند.

۷- zarasp، واقع در جنوب غربی دریاچه ارومیه.

۸- تاریخ چاپ و مشخصات دیگر چاپ‌ها و ترجمه‌های این اثر در مقدمه کتاب حاضر آمده است.

۹- موسی خورنی، تاریخ ارمنستان، به اهتمام ابراهیم دهکان، اراک، انتشارات روزنامه افق، ۱۳۳۱.

۱۰- موسی خورنی، تاریخ ارمنستان، ترجمه و مقدمه و حواشی گئورگی نعلبندیان، ایروان، ۱۹۸۴.

۱۱- کتاب حاضر، ص ۱۱۱.

۱۲- همان، ص ۱۵۴.

۱۳- به معنی فرمانده هزار سرباز که یکی از مقام‌های دربار شاهی نیز بود. در ایران باستان هزاربد لقبی عالی محسوب می‌گردید که مخصوص فرماندهان سپاه جاویدان بود. اما به تدریج «هزاربد» وظایف دیگری یافت؛ که از جمله تعیین و گردآوری مالیات، پاسداری از جاده‌ها و ساختمان‌ها بود.